

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

تحلیلی بر اجرای برنامه‌های آموزشی در خصوص آشنایی با اصول و مبانی توسعه پایدار

تهیه کننده: حمید جاودانی

آذر ماه ۱۳۸۷

جناب آقای دکتر اکبرپور شیرازی

معاون محترم پژوهشی مؤسسه

با سلام

بازگشت به یادداشت مورخ ۸۷/۹/۹ جنابعالی در هامش نامه شماره ۲۲/۱۵۳۰۴ به تاریخ ۸۷/۸/۲۹ مدیر کل دفتر گسترش و برنامه‌ریزی آموزش عالی مبنی بر اظهارنظر در مورد اجرای بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه چهارم در زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی برای آشنایی با اصول و مبانی توسعه پایدار موارد زیر به استحضار می‌رسد:

الف- بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همان گونه که در آن به صراحت اشاره شده است مربوط به ارتقای «آگاهی‌های عمومی» مردم است [public instruction]، که بیشتر به امور رسانه‌های عمومی مربوط می‌شود. و به همین دلیل در آن به نظام آموزشی کشور به ویژه آموزش عالی و حتی آموزش و پرورش اشاره نشده است. بنابراین، پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری چنانچه برای اجرایی ساختن این ماده از برنامه قانون چهارم است، این گونه برنامه‌های آموزشی لازم است متوجه نهادهایی شود که کارویژه آنها ارتقای آگاهی‌های عمومی و آموزش‌های غیررسمی است.

ب- اما با توجه به اهمیت موضوع حفظ محیط زیست و نقش اساسی آن در فرایند توسعه پایدار، چنانچه اراده ملی بر آن قرار دارد که آموزش‌های رسمی در این زمینه فعال شوند، لازم است موضوع در نهادهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ملی نظیر شورای عالی آموزش و پرورش و یا نهادهای پژوهشی مربوط به برنامه‌ریزی رسمی آموزش و پرورش مطرح شود تا برنامه‌های درسی متناسب با دوره‌های آموزشی طراحی و به مرحله اجرا درآید.

پ- در مورد برنامه‌های درسی و یا ایجاد رشته‌های نوین دانشگاهی از جمله در مورد موضوع یاد شده با توجه به اسناد بالادستی قانونی، از جمله، قانون جدید وظایف و تشکیلات وزارت عتف، مبنی بر گسترش استقلال دانشگاه‌ها، و با توجه به این که این گونه برنامه‌ها در قلمرو برنامه‌ریزی خرد آموزش عالی قرار دارد، لازم است که پیشنهادات مشابه به دانشگاه‌ها ارائه و یا به گونه‌ای در اسناد قانونی کشور، از جمله قانون برنامه پنجم گنجانده شوند، تا هر نهاد آموزشی متناسب با توان علمی، اجرایی و مدیریتی خود نسبت به اجرایی ساختن آنها اقدام کند. روشن است که به عنوان مثال، گنجاندن دو واحد درسی عمومی، نیازمند کاهش دروس عمومی و یا افزایش شمار واحدهای دروس عمومی است، و این کار نیازمند مطالعات گوناگون و همه جانبه‌ای در هر یک از نهادهای آموزش عالی به طور جداگانه است که بر اساس اولویت‌ها و توانمندی‌های هر یک از آنها می‌تواند به اجرا درآید.

ت- در خصوص ایجاد رشته مستقل در سطح کارشناسی ارشد، در زمینه مورد اشاره، این موضوع بستگی به بررسی عوامل و متغیرهای زیادی از جمله: نیروی انسانی [به ویژه عضو هیأت علمی متخصص در این زمینه]، مواد درسی، فضای کالبدی، فضای آموزشی و ... دارد که هر نهاد آموزشی با توجه به اولویت‌ها و توانمندی‌های خود می‌تواند نسبت به دایر کردن آن بررسی و اظهار نظر کند.

به سخنی دیگر، کاربست رویکرد تمرکزگرا در این امور، نه تنها کمکی به توسعه آموزش نخواهد کرد که بر عکس موجب افت علمی و آسیب رسانی به نظام آموزش عالی کشور نیز می‌شود.

در عین حال، چنانچه موضوع «حفظ محیط زیست و توسعه پایدار» از نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور از اهمیت و اولویتی بیش از موضوعات علمی دیگر برخوردار است، و یا به عبارتی از مزیت نسبی بیشتری برخوردار است و نیروهای متخصص کنونی کشور پاسخگوی چنین نیازی نیستند، موضوع می‌تواند با ارائه مشوق‌هایی به آن دسته از نهادهای آموزش عالی که امکان ایجاد چنین رشته‌هایی را دارند عرضه شود تا این نهادها به دایر کردن و برگزاری آن تشویق شوند.

به هر حال روشن است که برنامه‌ریزی آموزشی کشور، چنانچه با رویکرد علمی و روش‌شناسی نظام‌مند دنبال شود، نخست لازم است ضمن پایش و ارزیابی وضع موجود، نیازها و اولویت‌های علمی کشور تبیین و به نهادهای آموزشی ابلاغ شود تا این نهادها بتوانند فعالیت‌های خود را همسو با اولویت‌های علمی کشور برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

ابلاغ جسته و پراکنده مسائل بدون اولویت‌بندی و غیر نظام‌مند، جز به نامتوازن‌ی نظام آموزش عالی کشور نخواهد انجامید. روشن است که جلوگیری از چنین امری نیازمند برخورداری از نهادهای ملی، همچون شورای عالی عتف است که بتواند سیاست‌های راهبردی و کلی نظام و همچنین اولویت‌های علمی کشور را تبیین و تدوین کند [مشروط بر این که این شورا از ساختار و فرایند مناسب برخوردار و درک روشنی از کارویژه‌های خود داشته باشد].

با احترام

حمید جاودانی